



علی (ع) مصداق پاکی ها

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 1

سخن ناشر

باسمه تعالی

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی‌ها محفوظ می‌دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می‌شود، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جام عمل به دستورات بلند ربانی می‌باشد.

در این خصوص، دستیابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگاه حساس و ویژه آن‌ها در حیات انسانی، ضروری احساس می‌شود.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان، در راستای اهداف الهی خود، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمان دانشمند محقق حضرت استاد حسین انصاریان، با انتشار گلچینی از متن سخنرانی‌های معظم له، از بیان پر حرارت و جذاب سخنرانی‌های استاد نیز تشنگان معارف سراسر نور ائمه اطهار: را بی‌نصیب نگذاشته و بدون خارج ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن، باب

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 2

دیگری را برای استفاده از معارف آل‌الله: و سیراب گشتن از این چشم پرفیض باز نموده است.

امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت: بیش از پیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدس سیراب گردیم.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على سيد الانبياء و المرسلين حبيب الهنا و طيب نفوسنا ابي القاسم محمد صلى الله عليه و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين.

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 3

وعده داده بودم در رابطه با پاکی همه جانبه ای که برای هر انسانی تحصیلش میسر است مصداقی را بیان کنم، این مصداق که هم در قرآن کریم با نشانه هایی که آیات بیان میکند و هم در روایات و هم در گفتار اهل دل، اهل حال، اهل دانش و اهل بینش مطرح است، وجود مبارك امیرالمؤمنین (ع) است.

امام (ع) نسبت به خدا، انسان و دنیا از اندیشه و نظر پاک برخوردار بود. در مرحله قلب و نیت قلب از پاکی برخوردار بود. در عمل و کردار و در اخلاق و حالات هم دریای بی ساحلی از پاکی و طهارت بود. طوفان بلاها و خطرهای و تنگناها و مصائب سنگین در نظر پاک او نسبت به حق، نسبت به انسان و نسبت به دنیا در اخلاق و عمل او اثر منفی نگذاشت و راهی برای ایجاد انحراف در هیچ کدام از نواحی وجود مبارك او پیدا نکرد.

خدا در دیدگاه علی (ع)

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 4

فعل حضرت حق درباره وجود مقدس حضرت حق البته در جهت فعل حق که شیاطین بیشترین انحراف را در طول تاریخ در اندیشه ها ایجاد کردند وجود مقدس او این نظر را داشت، (در حالی که خودش گرفتار انواع حوادث و بلاها و مشقت ها بود ببینید چه نظر پاکی نسبت به فعل حق داشت: (ارْتَفَعَ عَنْ ظُلْمِ عِبَادِهِ). «1» خدا را این گونه دید و درست دید، نظری که درباره خدا و فعل خدا داشت، صحیح ترین و پاک ترین نظر بود، چون قرآن مجید اعلام کرد غیر از مخلصین هر کس درباره خدا نظر بدهد و حرف بزند نظر کاملی نیست و سخن جامعی نیست، اما صریحاً قرآن کریم نظر مخلصین را در رابطه با پروردگار امضا کرد.

(1). نَحْجُ الْبَلَاغَةَ: خطبه 185

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 5

امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: او وجود مبارکی است که نسبت به بندگانش کمترین ستمی روا نمی دارد، نه در دنیا و نه در آخرت، کمبودها، نقص ها و عیب ها هم در هر شکلی که در زندگی مردم رخ نشان می دهد کارخانه تولیدش را خود مردم می دانند.

(إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَ لَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ.) «1» خداوند متعال به کمترین چیزی به بندگانش ستم روا نمی دارد، این مردم هستند که خودشان زمینه ستمکاری بر خودشان را فراهم می کنند.

خیلی حرف زیبایی است، امیرالمؤمنین (ع) اعتقادش این است که عیب های زندگی، نقص های زندگی، کمبودهای زندگی، مشکلات زندگی و دردهای زندگی را با عادل شدن معالجه کنید، و

(1). یونس: 44.

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 6

الا تا در جامعه ستم هست طبقات ستم هم خواهد بود، آثار ستم هم خواهد بود.

رهایی از آثار ستم به این است که همه تصمیم بگیرند آدمهای پاکی بشوند، انسان های عادل بشوند، انسان های با انصافی بشوند.

نهایتاً حرف اسلام این است که کلید حل مشکلات متخلق شدن همه، به اخلاق پروردگار است. اگر يك نفر ستمکار هم بین مردم باشد باز کشتی حیات عیب پیدا خواهد کرد، و خیمه حیات دچار تنگنا خواهد شد. در قیامت هم همین طور، با این که (فَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ) است قدرت واحد و تمام مهار قیامت به تنهایی به دست اوست.

در قرآن مجید می فرماید: به اندازه رشته نازک وسط هسته خرما که به زحمت هم به چشم می آید، یا در آیات دیگر می فرماید: به اندازه سوراخ ریز میان هسته خرما به احدی ستم روا نخواهم داشت.

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 7

این طور نیست که در بازار قیامت بگویم این طرفم فرعون است، این نمود است، این شمر است، این یزید است و با این اوضاعی که در دنیا داشتند بیش از حد جرمشان توی سرشان بزنم، نه، جریمه به اندازه جرم است، خداوند ستم نمیکند.

«1»

منفعت این دیدگاه

يك منفعت این نظر پاك این است که هیچ گاه انسان گلايه مند و شاکی از وجود مقدس او نمی شود. وقتی که آنجا را در اوج عدالت ببیند و ستمکاری و مولدش را انحراف فکری و روحی خود انسان بداند، تمام درهای گلايه و شکایت از پروردگار عالم به روی ذهن بسته می شود، آن وقت رابطه آدم با پروردگار عاشقانه می شود، بی رغبتی به حق در دل پیدا نمی شود، کسالت از حق

(1). نساء: 124. «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظَلَّمُونَ فِيهَا»

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 8

در باطن پدیدار نمی شود و خستگی از حق برای انسان نمی آید. بلکه انسان در این سیر فکری پاك روز به روز بر عشق و ایمان و ارتباط و عبادت و حرکتش به جانب مقام قرب اضافه میشود. این پاکی و عشق تا جایی می رسد که نوشته

اند: روز عاشورا هر چه بر ابا عبدالله (ع) میگذشت برافروختگی چهره او بیشتر می شد، و زمانی که شمر تیزی خنجرش را می خواست به گلوی حضرت بکشد سید الشهداء (ع) لبخند زد، این لبخند خیلی معنی داشت، معنایش هم این بود که تمام وجودم از محبوبم در اوج رضایت قرار دارد و آنچه میگذرد مربوط به انحراف انسان است نه تقدیر و عمل پروردگار. این نظر وجود مبارکشان به پروردگار در جهت فعل پروردگار است.

احکام حضرت حق

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 9

و اما درباره احکام پروردگار می فرماید: (عَدَلَ عَلَيْهِمْ فِي حُكْمِهِ). «1» پروردگار عالم در فرمان دادن به بندگانش فقط و فقط عدل را رعایت میکند. (وَقَامَ بِالْقِسْطِ فِي خَلْقِهِ). و تمام حیات بشر را در سیطره عدلش اداره میکند، و ستم ها مربوط به خودشان است.

انسان از دیدگاه علی (ع)

و اما نظرشان در رابطه با انسان، خیلی نظر شگفت انگیزی است.

يك گروهی در زمان خود امیرالمؤمنین (ع) در اوج هواپرستی و خودپرستی و جهالت که خطرناکترین بیماری ها و کاملاً بر ضد خدا قرار گرفتن است چنان با شخصیت امیرالمؤمنین (ع) درگیر شدند که

(1). نهج البلاغه: خطبه 185.

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 10

نهایتاً حکم کفر بر امیرالمؤمنین (ع) جاری کردند. شما مطلبی را فقط می شنوید، باید به گذشته برگردید و خود را در زمان امیرالمؤمنین (ع) قرار بدهید و امیرالمؤمنین (ع) را امیرالمؤمنین (ع) ببینید، هم از دید پروردگار هم از دید پیغمبر، حداقل سیصد آیه در قرآن است که اهل تسنن هم نقل کرده اند، میگویند مصداق اکمل این سیصد آیه در امت، امیرالمؤمنین (ع) است.

شما پیغمبر (ص) را ببینید و با چشم پیغمبر (ص)، علی (ع) را نگاه کنید، من فقط يك نظر پیغمبر (ص) را میگویم که: شیخ سلیمان بلخی حنفی در کتاب ینایع الموده خود نقل میکند که روزی پیغمبر (ص) بالای منبر به مردم فرمود: واقعاً هر کسی که دلش می خواهد آدم را با علمش ببیند، نوح را با عزمش ببیند، ابراهیم را با حلمش ببیند، موسی را با هیبتش ببیند، و عیسی را با

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 11

زهدش ببیند اشاره کردند: (فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيٍّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ). «1» این يك نفر به تنهایی همه انبیاء است، آن وقت این هواپرستان خودپرست جاهل، در دل جامعه اسلامی که خودشان را هم به مردم باورانده بودند که ما آدم های درستی هستیم اعلام کردند که: علی کافر است و جنگ با او و کشتنش واجب است و شرش را باید از سر جامعه کم کرد. «2»

(1). ینایع الموده: 362 / 1، الباب الرابعون، حدیث 1. أخرج أحمد بن حنبل في مسنده، و احمد البيهقي في صحيحه عن أبي حمرا، قال: قال رسول الله 6: من أراد أن ينظر إلى آدم في علمه، و إلى نوح في عزمه، و إلى ابراهيم في حلمه، و إلى موسى في هيئته، و إلى عيسى في زهده، فلينظر إلى علي بن أبي طالب 7.

و این روایت در مصادر شیعی به طرق مختلف با اختلاف کمی نقل شده است.

(2). خوارج حضرت امیرالمؤمنین 7 را کافر می دانستند، ملل و نحل: 170، الابضاح: 48.

يك مصداق این مطلب روایتی است که: مردی از خوارج خطاب به امیرالمؤمنین 7 گفت: قاتله الله کافراً ما افقهه.

نَحْجُ الْبَلَاغَةَ: حکمت 412؛ بحارالانوار: 434 / 33؛ حدیث 643.

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 12

از گنهکار ناامید نباشید

در چنین موقعیتی نظر ایشان راجع به انسان چه بود؟ وقتی که به او میگفتند با این گروه هواپرست و خودپرست جاهل که شما را تا پستی کفر به باور مردم دادند چه باید کرد؟ شما بودید چه نظری داشتید؟ آنقدر برای انسان احترام قائل بود که درباره این گروه وقتی که از او می پرسیدند چکار باید کرد؟ میفرمود: از گنهکار نا امید نباشید، کریمانه با او برخورد بکنید، معالجه اش بکنید. میفرمود: انسان های خوب که خوبند، انسان های پاک که پاکند، ما در کنار آنها کاری و زحمتی نداریم، يك كاروان پاکی هستند که به جانب لقاء خدا حرکت می کنند، باید به داد اینها رسید، باید

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 13

دل برای اینها سوزانید، باید برای اینها گریه کرد و باید برای آنها طیبانه اقدام کرد. و اصرار داشت ناامید نباشید.

حرمت انسان

برای حریم انسان، جان انسان، وجود انسان آنقدر احترام قائل بود که میگفت: دشمن ترین دشمنان من بیمارند، باید علاجشان کرد. علاج. او غیر حکومت هائی بود که اگر يك نفر بر اثر درد بگوید: بالای چشمتان ابروست، مأمور در خانه اش بیایند و دعوتنامه بفرستند و او را به انواع مراکز اطلاعاتی بکشند و به خاک سیاه بنشانند. او میگفت: اولاً اینها انسان هستند و بعد هم عارضه بیماری به آنها خورده، باید معالجه شان کرد، ناامید هم نباشید. يك روزی روی منبر کوفه در ایام حکومت و قدرتش سخنرانی می کرد، آنقدر مردم تحت تأثیر سخنرانی بودند که مات زده نگاهش میکردند، یکی از همین گروه از وسط جمعیت

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 14

بلند شد و گفت: پسر ابوطالب! خدا ریشه ات را بکند که چقدر خوش زبانی! تا چهل پنجاه نفر قصد حرکت کردند، امام (ع) از روی منبر فرمود: با شما بود؟! گفتند: نه. فرمود: به چه کسی گفت خدا ریشه ات را بکند؟ گفتند: به شما. فرمود: حق درگیری بر عهده من است، من باید با او درگیر بشوم، من هنوز سخنرانی ام تمام نشده، بگذارید بنشینند و گوش بدهد، شاید هدایت بشود.

هدایت انسان‌ها

او نسبت به انسان‌ها فقط دغدغه هدایت داشت. به خدا قسم در سه جنگ جمل و صفین و نهروان تا جایی که در توان امیرالمؤمنین (ع) بود جنگ واقع نشود کوشید اما نشد و دشمن جنگ را به او تحمیل کرد. نوشته اند در جنگ جمل بعد از این که حضرت (ع) پیروز شد به جای این که بگوید شهرها را چراغان بکنید، نقل و شیرینی پخش بکنید

علی (ع) مصداق پاکی‌ها، ص: 15

و پرچم‌های رنگارنگ بزنید، آمد وسط میدان جمل، کنار کشته‌های دشمن، عین مادر داغ دیده اشک ریخت و گفت: اینها دلم را سوزاندند، و سوز دل من به این است که همه باید بهشت می‌رفتند، اما خودشان راهشان را به سوی جهنم کج کردند. کدام فرمانده نظامی برای کشته‌های دشمن اشک ریخته است؟! سراغ دارید؟ فرماندهان پیروز، همیشه غرور نشان می‌دهند و مارش پیروزی می‌زنند و چراغانی می‌کنند، درجه می‌گیرند، اما امیرالمؤمنین (ع) آنقدر برای انسان دغدغه داشت که می‌آمد کنار کشته‌های دشمن اشک می‌ریخت که چرا جهنم رفتید؟ چه درسهایی امیرالمؤمنین (ع) از پاکی به ما می‌دهد!

ما چه کرده‌ایم؟

پدران! مادران! معلم‌ها! اساتید دانشگاه! حاکمان مملکت! شما چه مقدار دغدغه انسان را دارید؟ چه مقدار؟ این همه سوز دل را چگونه باید معالجه

علی (ع) مصداق پاکی‌ها، ص: 16

کرد؟ مشکلات را چگونه باید حل کرد؟ ثروت مملکت را چگونه باید خرج کرد؟ محبت ها، چگونه باید خرج بشود؟ معلم چگونه باید خود را خرج شاگرد بکند؟ استاد دانشگاه چگونه باید خود را خرج کند؟ دولت چگونه باید خود را خرج ملت کند؟ شما يك مو از علی (ع) به تنتان هست؟ شما به اندازه ای که او دغدغه انسان را داشت، شما هم دارید؟ او برای گمراه اشک می ریخت، شما برای گمراه تا حالا چه کرده اید؟ الآن هم که کشور ما (بِحُرْمَتِ اللَّهِ افواجاً) است. چقدر شما دغدغه دارید؟ چقدر ناراحتید؟ چقدر دختران ما از نظر روش و افکار و اخلاق تبدیل به دختران تل آویو و واشنگتن شده اند؟ چقدر جوان های این مملکت فاسد و معتاد و دزد و جیب بر شدند؟ شما چقدر دغدغه انسان را دارید؟

محبت به شقی ترین مردم

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 17

شی که زیر تیزی شمشیر زهراگین ابن ملجم داشت دست و پا می زد نزدیک نیمه شب بیست و یکم حسن و حسین و قمر بنی هاشم و محمد حنفیه: را صدا زد، گفت: عزیزان من! يك نفر به من حمله کرده، من امشب شهید می شوم، فردا ننشینید بگویید علی (ع) را کشتند پس تا جایی که دلمان خنک بشود باید بکشیم، يك نفر مرا کشته است. بعد به حسن و حسینش 8 گفت: حسن جان! حسین جان! اگر دلتان آمد قاتل مرا ببخشید، اگر بنا شد قصاص بکنید، در تاریکی محراب، يك ضربت به من زده، دوتا زده، مبادا دوتا شمشیر به او بزنید، اگر با آن يك ضربت کشته شد بدنش را دست مردم ندهید چون من می داتم مردم عصبانی هستند، عادل هم نیستند، چاقو و خنجر و چوب می آورند، بدنش را ممکن است سوراخ سوراخ کنند، چشمش را دریاورند، خودتان جنازه قاتل مرا دفن کنید، به دست مردم نیفتد. چه کسی چنین

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 18

دغدغه ای را نسبت به انسان دارد؟ آن هم نسبت به اشقی الاشیاء و قاتل خود.

به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من

چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا

این چه روح و فکر پاکی است که وقتی صبح نوزدهم او را روی گلیم میگذارند، سر گلیم را بچه‌ها میگیرند میآورند داخل خانه، بلافاصله نان و آب و شیر میآورند، چشمش را باز میکند میگوید: حسن جان! ابن ملجم هم مسافر است، او هم روزه نیست، صبحانه مرا به او بدهید بعد برای من صبحانه بیاورید. و برای این که قاتل را بیدار و آگاه کند آفتاب که طلوع کرد به پسرهایش گفت: قاتل را بیاورید من او را ببینم. ابن ملجم را آوردند. فرمود: بنشین کنار بستر من. برای این که او را تحریک بکند و به خود بیاید، با آن حال مظلومانه‌اش برگشت گفت: من برای تو بد امامی بودم؟! عیبی داشتم؟!!

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 19

سفارش به استاندار

در عهدنامه مالک اشتر نوشت: مالک! کاری کن که در خیمه حیات از حداقل زندگی خوب تمام مردم برخوردار باشند، چه این که مردم هم دین تو باشند یا هم دین تو نباشند، برای تو فرقی نکند. يك وقت نگویی چون اینها مؤمن هستند به اینها بیشتر برس، ولی اینها چون یهودی، مسیحی یا زرتشتی اند از تدارکات کشور چیزی به آنها ندهم. «1»

دنیا در دیدگاه علی (ع)

اما راجع به دنیا پاک ترین نظر را داشت: (انّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا، وَ دَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهَمَّ عَنْهَا وَ دَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَ دَارُ

(1). نَحْجُ الْبَلَاغَةِ: نامه 53.

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 20

مَوْعِظَةً لِّمَنِ اتَّعَظَ بِهَا، مَسْجِدُ أَحِبَّاءِ اللَّهِ وَ مُصَلَّى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَ مَهَبْتُ وَحْيِي اللَّهُ وَ مَتَّحِرُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ اِكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَ رِيحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ). «1» شما در تمام مکتب ها بگردید اگر نمونه این نظر را راجع به دنیا دیدید؟

نیت امیرالمؤمنین (ع)

و اما نیت او، کافی است که شما در کتاب های شیعه و سنی وزن نیت او را از زبان پیغمبر

(1). نَحْجُ الْبَلَاغَةَ: حکمت 131. "همانا دنیا سرای راستی برای کسی است که با آن به راستی برخورد کند، و خانه عافیت است برای آن که آن را فهمید، و محل توانگری است برای آن که از آن توشه گرفت، و جای پند است برای کسی که با آن پند گیرد. مسجد عاشقان خدا، و جایگاه نماز فرشتگان، و محل فرود آمدن وحی، و تجارتخانه اولیاء خداست که در آن کسب رحمت کردند و بهشت را سود بردند."

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 21

اکرم (ص) بشنوید. این وزن نیت علی (ع) در پاکی در سن بیست و سه سالگی است: (ضَرَبَهُ عَلِيٌّ عَلَى يَوْمِ الْحَنْدَقِ أَفْضَلَانَ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ). «1» در پاکی نیت، شما کافی است پاکی نیت او را در این آیه سوره بقره ببینید: (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ...) «2» خدایا! جانم را آن هم در سن بیست سالگی با تو معامله می کنم فقط محض خودت. من نه کاری به بهشت دارم و نه کاری به جهنم، جانم را با شخص خودت معامله می کنم.

عمل امیرالمؤمنین (ع)

اما از نظر عمل: امام باقر (ع) میفرماید: يك روز در اتاق پدرم زین العابدین (ع) نشسته بودم، داشتم

(2). بقره: 207

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 22

عبادت پدرم را نگاه می کردم، رکوعش را، سجودش را، حالش را، بعد با صدای بلند شروع کردم گریه کردن. پدرم نمازش را که سلام داد و فرمود: باقرم! چرا گریه می کنی؟ گفتم: پدر از این سنگینی عبادتت دلم سوخت، پدرم شروع کرد گریه کردن. به پدرم گفتم: من دلم برای شما سوخت گریه کردم، شما برای چه گریه می کنی؟ فرمود: عزیز دلم! اگر زمان علی (ع) بودی و عبادت علی (ع) را می دیدی چه می گفتی!

يك شعر از يك سنی حنفی مسلك بخوانم، حنفی ها خیلی متعصب اند.

شیر خدا شاه ولایت علی

صیقلی شرک حنفی و جلی

روز احد چون صف هیجا گرفت

تیر مخالف به تنش جا گرفت

غنچه پیکان به گل او نرفت

صد گل محنت ز گل او شکفت

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 23

روی عبادت سوی محراب کرد

پشت به درد سر اصحاب کرد

بیست و سه سالش بود، جراح به پیغمبر (ص) گفت: نود زخم خورده، همه را بستم اما يك تیر به عصب استخوان پا فرو رفته تا می خواهم آن را دریاورم شدید ناله می زند، من هم می دادم دردش خیلی است، نمیگذارد آن را دریاورم، چکار کنم؟ پیغمبر (ص) فرمود: صبر کن وقت نماز بشود.

خنجر الماس چو بینداختند

چاك به تن چون گلش انداختند

گل گل خونش به مصلی چکید

گشت چو فارغ ز نماز آن بدید

این همه گل چیست ته پای من

ساخته گلزار مصلای من

صورت حالش چو نمودند باز

گفت که سوگند به دانای راز

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 24

کز علل تیغ ندارم خبر

گر چه زمن نیست خیردارتر

(جامی) از آرایش تن پاك شو

در قدم پاك روان خاك شو

شاید از این خاك به گردی رسی

گرد شکافی و به مردی رسی

اخلاق امیرالمؤمنین (ع)

يك موردش را برایتان بگویم، ایام حکومتش است، رئیس مملکت است، در راه دارد میآید يك دختر خانمی را می بیند زار زار گریه میکند. علی (ع) در مقابل گریه گریه کنندگان طاقت نمیآورد، دختر خانم! چی شده؟ گفت: من کنیزم و کلفت هستم، پول به من داده اند خرما خریده‌ام، خرما خوب نیست، خانم گفته برو پس بده و آمده ام به خرمافروش میگویم: پس بگیر، میگوید: پس

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 25

نمیگیرم. فرمود: بیا با همدیگر برویم من حرمايت را پس بدهم. آمد در مغازه خرمافروش، خیلی با محبت فرمود: این خرما را عوض بکن. گفت: به تو هیچ ربطی ندارد، به خرما فروش لات و بی تربیت دوباره فرمودند، اگر ممکن است عوض کن، گفت مزاحم کسبم نشو. و از پشت دخل آمد و يك مشت به سینه امیرالمؤمنین (ع) زد و از مغازه بیرون پرتش کرد. گفت: میگویم برو. به دختر فرمود: خوب این که پس نگرفت بیا برویم در خانه‌تان به خانم بگویم حالا با این خرماها قناعت کن. هیچ قدرتمندی در روی این کره زمین به این پاکی می شناسید؟ اینقدر اخلاق والا. دختر راه افتاد، علی (ع) هم راه افتاد، همسایه روبروی آمد در مغازه جوان خرمافروش، گفت: با کدام دستت به این سینه زدی؟ گفت: با این دست. گفت: خوشتر آمد با این مشت که به این مرد زدی؟! تو فهمیدی این کیست؟ گفت: نه، کیست؟ با این

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 26

لباس پاره اش آمده بود اینجا مزاحم ما شده بود. گفت: نفهمیدی؟ گفت: نه، گفت: این سینه، صندوق اسرار خداست، این شوهر فاطمه زهرا (س) است، این پدر حسن و حسین 8 و این امیرالمؤمنین (ع) است. دوید دنبال امیرالمؤمنین (ع)، آمد خودش را بیندازد روی پای علی (ع)، زیر بغلش را گرفت، گفت: مرا ببخش، بد کردم. فرمود: تو مرا ببخش، من آدمم مزاحم کاسی ات شدم. «1» لا اله الا الله.

شما رئیسهای کشورهایك موی علی (ع) به تتان هست؟ خرما را گرفت و بهترین خرما را برای دختر آورد و فرمود: برو، گفت: علی جان! دیر شده مرا می زنند. فرمود: خوب من میآیم از جانب تو عذرخواهی می کنم. خانم دید کنیزش دیر

(1). كشف الغمه: 163 / 1؛ بحارالانوار: 331 / 40، باب 98، حدیث 14.

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 27

کرده، پنج دفعه همی آمد در را باز کرد و بیرون را نگاه کرد، بعد يك مرتبه دید کنیزش با امیرالمؤمنین (ع) دارد میآید، علی (ع) را میشناخت، دو لنگه در را باز کرد امیرالمؤمنین (ع) فرمود: يك مقدار دیر شده عذرش را قبول کن، گفت: آقا جان! فدای قدمتمان بشوم، من این کنیز را به شما بخشیدم. امام (ع) هم رو کرد به کنیز، فرمود: من هم تو را در راه خدا آزاد کردم برو، این يك مصداق پاکی.

مجلس امشب به نام علی (ع) شد، علی (ع) هنوز مظلوم است، علی (ع) هنوز تنهاست، چند روز است از کنار قبرش صدای ناله های مظلومانه بلند است، «1» فرهنگ علی (ع) هنوز در دنیا فرهنگ مظلومی است، پای منبرش يك نفر بلند شد و گفت: به من

(1). در تاریخ ایراد این سخنرانی اشغالگران به شهر مقدس نجف اشرف حمله کرده بودند و گروه زیادی از شیعیان را در کنار حرم شریف حضرت امیرالمؤمنین به خاک و خون کشیدند

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 28

ظلم شده. فرمود: چقدر به تو ظلم شده؟ گفت: يك ظلم. فرمود: به تو يك ظلم شده اما به من به اندازه ریگ های بیابان، و به تعداد نخ پشم گوسفندان دنیا ظلم شده.

زهرا (س) داشت جان می داد و اشک می ریخت، امیرالمؤمنین (ع) گفت: چرا گریه می کنی؟ گفت: به مظلومیت تو گریه می کنم. در دامن خودش جان داد. بعد از ظهر بود، به حسن و حسین، و زینب و کلثوم: گفت: عزیزانم! بلند بلند گریه نکنید، نمی خواهم همسایه های دیوار به دیوارمان هم بفهمند که مادرتان را از دست دادید. نیمه شب شد بدن دختر پیغمبر را داخل آن حیاط کوچک آورد، صدا زد: حسن جان! حسین جان! شما آب بیاورید، من بدن مادرتان را با کمک شما غسل بدهم. اما وسط غسل دیدند بابا غسل را رها کرد و آمد صورت به دیوار گذاشت، شروع کرد بلند بلند گریه کردن.

علی (ع) مصداق پاکی ها، ص: 29

مگر بابا به ما نگفته بلند بلند گریه نکنیم؟ چرا خودش بلند بلند گریه میکند؟ آمدند گفتند: بابا چی شده؟ فرمود: دستم به بازوی مادرتان رسید، آنقدر با غلاف شمشیر به بازوی مادرتان زده اند ... بعد بدن را کفن کرد و صدا زد حسن جان! حسین جان! دخترانم! این آخرین باری است که مادرتان را می بینید. بچه ها آمدند، دوتا دختر دو طرف بدن مادر سر گذاشتند، امام حسن (ع) صورت، روی صورت مادر، ابی عبدالله (ع) صورت، کف پای مادر، حسین جان! برای شما سخت تر بود صورت روی پای مادر یا برای خواهرت زینب (س) وقتی صورت روی گلوی بریده تو گذاشت.